

نقش جمعیت کلان شهر تهران در قدرت ملی کشور

■ محمدباقر قالیباف

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

■ غلامحسن حیدری

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد تهران مرکز

■ حسین محمدیان

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری،

دانشگاه تربیت معلم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

به بررسی نقش جمعیت کلان‌شهر تهران در قدرت ملی کشور پرداخته است و یافته‌های حاصل از آن نشان می‌دهد که کلان‌شهر تهران با وضعیت جمعیتی حال حاضر در قدرت ملی دارای کارکرد منفی است.

مقدمه

توانمندی‌های محیطی (طبیعی و انسانی)، بستر الگوهای استقرار سکونت‌گاه‌های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می‌آورد و ساختار فضایی هر مکان تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است. پراکندگی جمعیت در فضای جغرافیایی، از دو بعد قابل بررسی است: یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار جمعیت در نقاط روستایی و شهری. اثرات تحولات جمعیتی در ساختارهای فضایی-مکانی در شناخت نحوه شکل‌گیری و سازمان‌بندی فضاهای جغرافیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از سوی دیگر از منظر ابزاری و رابطه با قدرت، جمعیت و انسان بیشتر مورد توجه بازیگران و کنشگران سیاسی است. آنها به جمعیت از این منظر توجه می‌کنند که کمیت و کیفیت آن چه نقشی در افزایش یا کاهش قدرت ملی یا جمعی کشور و یا مکان یا فضای جغرافیایی دارد. بر همین اساس در بعد کمیتی از اندازه مناسب جمعیت صحبت می‌شود؛ یعنی جمعیتی که حداکثر درآمد سالانه و رفاه اقتصادی را فراهم کند و به لحاظ کیفی سرچشمه اصلی قدرت سیاسی، وحدت و انسجام داخلی، موازنه سیاسی در درون سیستم و ذاتاً سازگار با سیستم سیاسی باشد. همچنین از این منظر کمبود یا اضافه جمعیت، سرچشمه ضعف و ناتوانی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تلقی می‌شود.

در ارزیابی قدرت کشورها فرض بر این است که در وضعیت مساوی، کشوری که دارای جمعیت بیشتر است قدرتمندتر از کشوری است که جمعیت کمتری دارد؛

اشاره

قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌کند و هم‌زمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند دارای قدرتی هستند که از برابند قوای ترکیب‌شده آنها به دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور دانست. مردم یکی از عناصر مهم وجودی هر حکومت‌اند. موضوع جمعیت یکی از مباحث جامعه‌شناسی، جغرافیای جمعیت و جغرافیای انسانی محسوب می‌گردد، ولی اثربخشی سیاسی آن در جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جمعیت و ویژگی‌های آن به‌عنوان یک عامل مؤثر در توسعه و قدرت ملی کشور محسوب می‌شود. برخی عوامل و متغیرها مانند تعداد جمعیت ممکن است در یک کشور دارای کارکرد مثبت بوده و در کشور دیگر کارکرد منفی داشته باشد، اما جمعیت کلان‌شهر تهران با توجه به روند تغییراتی که از گذشته تا به امروز داشته است، از لحاظ کمی و کیفی وضعیت مشخصی نداشته و بدون برنامه‌ریزی به صورت لکه‌ای در پهنه جغرافیایی کشور دیده می‌شود که در سطح ملی کشور را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی

چون به سختی می‌توان دو کشور را یافت که از جهت کلیه عوامل برابر باشند، بنابراین ارزیابی جمعیت به‌عنوان یک عامل قطعی قدرت کار درستی نیست.

جمعیت بیشتر از دیدگاه نظامی و سیاسی اهمیت دارد، ولی از جهت اقتصادی به‌ویژه هنگامی که چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در سرزمین و روندهای جمعیت نگاری در نظر است، وضع متفاوت خواهد بود. در این صورت، خصوصیات کیفی جمعیت، ساختمان جمعیت، سطح سواد، آهنگ رشد و نسبت سن یا جنس روی ذخیره‌های بالقوه نظامی و سهم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جامعه اثر می‌گذارد. به همین دلیل جمعیت و انسان‌ها به مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کنند. در واقع مکان بدون جمعیت به مکان بی‌روح شباهت دارد. مکان بی‌روح مکان طبیعی و دست‌نخورده است که تغییرات آن متأثر از پدیده‌ها و فرایندهای طبیعی است؛ در حالی که مکان و فضای جغرافیایی برخوردار از روح، جایی است که انسان در آن زندگی می‌کند، تحول می‌آفریند، تغییر می‌دهد، می‌سازد، بهسازی می‌کند و مکان و فضا را شکل می‌دهد و آن را به صورت موجودی زنده و در حال کمال و دگرگونی و تغییر دائمی درمی‌آورد. بر این اساس انسان در کنش‌های خود بر آن است تا محیط طبیعی را به یک محیط جغرافیایی، یعنی محیطی مبدل کند که انسان‌ها آن را در بوته گذشته تاریخی خود ساخته و پرداخته کرده‌اند.

قدرت ملی از نظر تاریخی با ظرفیت و توان نظامی پیوند خورده است؛ زیرا جنگ‌ها در روابط بین‌المللی تعیین‌کننده بوده و شکست یا پیروزی شاخصی برای ارزیابی قدرت آنها بوده است. برای تشخیص قدرت ملی یک کشور نمی‌توان بر روی یک عنصر به تنهایی تکیه کرد. مثلاً نمی‌توان وسعت زیاد برزیل، جمعیت زیاد پاکستان، تولید صنعتی بلژیک و غیر آن را مبنا قرار داد. بهترین دلیل اینکه هیچ یک از این کشورها قدرت اول نیستند.

علاوه بر این قدرت ملی دو وجه دارد: وجه عینی و بالفعل و وجه نهفته یا بالقوه، که دولت‌ها تلاش می‌کنند ظرفیت‌های بالقوه خود را به صورت بالفعل درآورند. آگاهی از ترکیب جمعیت و نحوه توزیع آن در هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه همه‌جانبه آن دارد و دولت‌ها با اتکا به این امار و ارقام قادر می‌شوند تا برنامه‌های خرد و کلان توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سازمان اداری جامعه را سامان دهند.

جمعیت ۳۰/۰۰۰ نفری تهران طی ۲۰۰ سال به رقمی نزدیک به هشت میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ می‌رسد. بررسی روند تغییرات جمعیتی تهران به‌ویژه با توجه به تغییرات جمعیت کشور نکات جالبی را آشکار می‌کند. طی دوره مورد نظر کل جمعیت کشور از ۷/۶۵۴/۰۰۰ نفر در سال ۱۸۰۶ میلادی به رقم ۷۰/۴۹۶/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ شمسی می‌رسد. ملاحظه می‌شود در حالی که جمعیت کل کشور در دوره مورد بحث ۹/۲ برابر شده، جمعیت شهر تهران در همین دوره ۲۶۵ برابر شده است.

به عبارت دیگر جمعیت شهر تهران که در سال ۱۸۰۶ میلادی تنها ۰/۴ (کمتر از نیم درصد) جمعیت کشور را تشکیل می‌داد، در سال ۱۳۸۵ شمسی ۱۱/۳ درصد جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است.

اگر در این بررسی‌ها دوره‌های مختلف را تفکیک کنیم و با توجه به نقاط عطف تاریخی شهر تهران موضوع جمعیت را مورد بررسی قرار دهیم، ملاحظه می‌شود در حالی که از سال ۱۲۲۲ تا سال ۱۳۱۰ شمسی یعنی حدود ۹۰ سال جمعیت تهران ۷ برابر شده است، در طی ۷۵ سال بعد یعنی ۱۳۱۰ تا ۱۳۸۵ شمسی [جمعیت تهران] ۳۷/۹ برابر شده است. به همین دلیل اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، پذیرش واقعیت موجودیت تهران به‌عنوان یک قطب عظیم جمعیتی در حال و آینده است که این موجودیت به سادگی قابل منتفی شدن نیست.

به همین دلیل موضوع اصلی پژوهش حاضر این است که جمعیت و ویژگی‌های آن در کلان‌شهر تهران چه تأثیری بر قدرت ملی کشور دارد؟ به عبارت دیگر آیا وضعیت فعلی جمعیتی کلان‌شهر تهران کشور را در سطح ملی با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد کرد و در ابعاد مختلف اثرات منفی خود را بر قدرت ملی خواهد گذاشت؟ از این‌رو برای مطالعه نقش جمعیتی تهران بر قدرت ملی، جمعیت تهران از نظر برخی شاخص‌های کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده، روش گردآوری اطلاعات شامل: بهره‌گیری از منابع آماری (آمارهای توصیفی و نتایج سرشماری نفوس و مسکن)، کتب، مقالات و گزارش‌های پژوهشی است. همچنین با توجه به استفاده از داده‌های آماری، از روش تحلیل آماری نیز استفاده شده است.

مبانی نظری

انسان، مهم‌ترین عامل در ژئوپلیتیک است؛ زیرا تمام پدیده‌های محیط طبیعی-چه ثابت و چه متغیر- در یک قطب و انسان به تنهایی در قطب دیگر قرار دارد. به همین دلیل جمعیت و یا انسان‌های ساکن یکی از عناصر و ارکان اصلی مکان و فضای جغرافیایی را تشکیل می‌دهد. جمعیت و انسان‌ها به مثابه روح مکان و فضای جغرافیایی عمل می‌کند. مکان بدون جمعیت به مکان بی‌روح شباهت دارد. اگرچه بحث جمعیت از مباحث جغرافیایی انسانی و جغرافیایی جمعیت است، اما اثربخشی سیاسی آن باید در جغرافیای سیاسی بررسی شود.

به همین دلیل جمعیت پیوسته از پدیده‌های مورد بررسی در بحث قدرت و سیاست بوده است. از سوی دیگر جمعیت رابطه تنگاتنگی با توسعه دارد و روند توسعه، جهت‌گیری و میزان آن تابعی از کم و کیف جمعیت است. افزایش جمعیت، حجم نیازهای مادی و معنوی جامعه را افزایش می‌دهد.



**قدرت ملی عبارت است از:
مجموعه‌ای از توانایی‌های
مادی و معنوی که در
قلمرو یک واحد جغرافیایی
و سیاسی به نام کشور با
دولت وجود دارد.**

قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع آن.

بنابراین قدرت ملی را می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین وسیله حفظ موجودیت و تأمین اهداف و منافع ملی کشورها دانست. بر اساس پژوهشی که در مورد سنجش قدرت ملی صورت پذیرفته است، پس از بررسی ۲۸ نظریه در خصوص عوامل تشکیل‌دهنده قدرت ملی این نتیجه حاصل شده است که: جمعیت و ویژگی‌های کمی و کیفی آن رتبه یکم از عوامل تشکیل‌دهنده قدرت ملی را بر اساس الگوهای مورد بررسی به خود اختصاص داده است، که تأثیر جمعیت و ویژگی‌های آن را بر قدرت ملی یک کشور به وضوح نمایان می‌سازد.

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن ابعاد جمعیتی کلان‌شهر تهران بعد کمی جمعیت

اهمیت کثرت جمعیت کارآمد برای تشکیل قدرت ملی آشکار به نظر می‌رسد. اما با همه پیشرفت‌هایی که در زمینه تولید جنگ‌افزارها پدید آمده است، کمیت جمعیت به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در قدرت ملی کشور به‌ویژه در بعد نظامی ایفای نقش می‌کند؛ زیرا جمعیت زیاد اعتمادبه‌نفس در داخل و ترس و احترام در خارج را به همراه دارد. جمعیت در شکل، اندازه و روندها و ساختمان آن بر قدرت ملی تأثیر می‌گذارد. جمعیت زیاد پیش‌شرط قدرت محسوب می‌گردد ولی عامل تعیین‌کننده قطعی نیست. هرچند جمعیت زیاد به نوبه خود می‌تواند موجبات ضعف یک کشور را فراهم کند و از سوی دیگر پیشرفت‌های فناورانه در عرصه جنگ‌ها توانسته نقش جمعیت زیاد را در دفاع کاهش دهد، ولی همچنان کشورهای پرجمعیت جزو کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شوند. با این حال جمعیت زیاد اگر از کیفیت

در همین راستا با اینکه بنیان اصلی هر دولتی سرزمین آن است، وجود واقعی آن تنها در شرایط وجود مردم آن، نحوه توزیع آنها، ویژگی‌های زیستی و دموگرافیکی آنها، توسعه اقتصادی آنها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی و میراث فرهنگی آنها معنا می‌شود. به عبارت دیگر رشد و توسعه اقتصادی هر سرزمین، متکی به نیروی انسانی و قدرت تولیدی آن است و نیروی انسانی و جمعیت می‌تواند بر قدرت ملی کشور تأثیرگذار باشد.

قدرت ملی یک کشور عبارت است از مجموع توانایی‌های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای نیل به منافع ملی خود. کالینز، استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می‌کند که از توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می‌شود. همچنین قدرت ملی نیز به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می‌کند و همزمان به‌عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند.

قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته می‌شود از برابری توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می‌شود. بنابراین مجموعه انسان‌هایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند دارای قدرتی هستند که از برابری قوای ترکیب‌شده آنها به دست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری و جوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور است که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت، قدرت ملی عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور با دولت وجود دارد. یا اینکه قدرت ملی عبارت است از: توانایی،

جامعه و اراده فردی افزایش یافته، کنترل اجتماعی ضعیف‌تر شده و فرد از آزادی عمل بیشتری برخوردار است. بنابراین هر قدر تراکم در ناحیه یا منطقه‌ای از شهر بیشتر باشد، احتمال وقوع جرم در آن افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر بر اساس دیدگاه محیط‌شناسی انسانی، ارتباط فیزیکی رو به ترازد که همان تراکم جمعیت می‌باشد، موجب کاهش تماس و افزایش تنش‌هاست. همچنین تراکم جمعیتی منجر به ایجاد فاصله‌ای اجتماعی شده، از این رو، افزایش خشونت، جرایم و آسیب‌های اجتماعی از پیامدهای آن است.

ابعاد کیفی جمعیت

ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی مردم

از فرهنگ در عرف سیاست بین‌الملل به‌عنوان «قدرت نرم» یاد می‌شود؛ چرا که قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران و جنس آن از نوع اقناع است. در جغرافیای سیاسی هر کشوری فرهنگ پایدار و توسعه‌یافته، مهم‌ترین عامل در تأمین وحدت ملی است. از سویی فرهنگ به‌عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه‌ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش‌های ایدئولوژیکی، نقش آن به‌عنوان پارادایم جایگزین به تدریج، اهمیت یافته است.

از این رو نظریه‌های فرهنگی گوناگونی با هدف توضیح و تفسیر جایگاه فرهنگ در سیاست داخلی و خارجی و نیز در سطوح جهانی ظهور یافتند. پیش‌فرض اساسی نظریه‌های فرهنگی، آن است که رفتار و کنش‌های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی است.

این نظریه‌ها به دنبال شناخت زمینه‌ها، فرایند شکل‌گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، اعتقادات و ترجیحات ما در زندگی اجتماعی هستند؛ بنابراین معتقدند که از این طریق می‌توان رفتار سیاسی انسان را

ارزش‌های فرهنگی ایرانی در ابعاد مختلف زبان، دین، هنر، موسیقی، شعر و افسانه، غذا، لباس، الگوی روابط خانوادگی، آداب و رسوم اجتماعی، باید و نبایدهای اخلاقی، باورها، رابطه فرد با دولت یا نظام اجتماعی و سیاسی و غیره دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از فرهنگ‌های نواحی پیرامونی آن مستثنی می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

زیستی، اقتصادی، فنی و علمی خوب برخوردار باشد، منشأ قدرت ملی خواهد بود. اما بر اساس دیدگاه امیدوارکننده کرونوکوپایی با افزایش جمعیت، منابع جامعه، توسعه می‌یابد و در نهایت موجب افزایش منابع سرانه می‌شود. این توسعه از این احتمال ناشی می‌شود که جمعیت زیاد اصولاً باعث تخصصی کردن فزاینده، تقسیم کار مؤثرتر و پیشرفته و فرصت گسترش مازاد اقتصادی می‌گردد.

از سوی دیگر بر اساس نظریات جامعه‌شناسانی از قبیل امیل دورکیم، ماکس وبر، جورج زیمل، مرتن و لمرت که به رابطه تراکم جمعیت و افزایش بزهکاری معتقدند، به وضوح مشخص است که افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. آنگلز نیز در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود. وی همچنین معتقد به وجود افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر شد. زیمل معتقد است که با افزایش تراکم جمعیت، فاصله بین ساختار اجتماعی کلان



شناخت.

ارزش‌های فرهنگی ایرانی در ابعاد مختلف زبان، دین، هنر، موسیقی، شعر و افسانه، غذا، لباس، الگوی روابط خانوادگی، آداب و رسوم اجتماعی، باید و نبایدهای اخلاقی، باورها، رابطه فرد با دولت یا نظام اجتماعی و سیاسی و غیره دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از فرهنگ‌های نواحی پیرامونی آن مستثنی می‌کند.

فرهنگ ایرانی با دارا بودن خرده‌فرهنگ‌های مختلف در گستره جغرافیایی آن، نه تنها فضای جغرافیایی ایران امروز بلکه برخی از ویژگی‌های آن در آن سوی مرزها، منطقه آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان و بخش‌هایی از پاکستان را نیز فرا گرفته است. در واقع ایران سرزمینی است که از ابتدا تعامل، رفاقت و وحدت در عین کثرت در آن نهادینه شده است. لذا در جامعه ایران، شناسایی فرهنگ‌های مختلف ضروری بوده و می‌بایست الگوی خاص مناسبی با وضعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و غیره ارائه می‌شد.

تهران به‌عنوان پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر کشور از نظر شاخص‌هایی از قبیل: توجه به جهت‌گیری دینی، ویژگی زن سنتی و زن مدرن در رتبه اول کشور است. با توجه به مدل نظری اینگلهارت درباره دگرگونی فرهنگ و توسعه اقتصادی مبنی بر اینکه دگرگونی فرهنگی در جامعه با وضعیت محیطی و رشد اقتصادی و تکنولوژیکی ارتباط دارد، مشخص شده است که توسعه در مناطق مختلف با تغییرات ارزشی هماهنگی دارد.

در نهایت باید اذعان داشت تفاوت‌های فرهنگی شهروندان تا زمانی که آسیبی به وفاداری آنان به آرمان‌های دولت وارد نیاورد، نه تنها تهدید به حساب نمی‌آید که فرصتی همه‌جانبه و گسترده برای توازن، تعادل قومی و پاسداری از هویت ملی است.

همگونی یا ناهمگونی جمعیت

ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت که

الگوی ملت را در یک کشور شکل می‌دهد نیز بر قدرت ملی تأثیر می‌گذارد. دولت‌ها و کشورهایی که دارای ملت بسیط و یکپارچه یا تک‌قومی هستند از انسجام ملی به‌عنوان عامل قدرت‌آفرین برخوردارند.

به عبارت دیگر همگونی فرهنگی - نژادی می‌تواند باعث تقویت پیوندهای ملی شود.

ترکیب یا ساختمان جمعیت

ساختمان جمعیت از عوامل مهمی است که می‌تواند در میزان قدرت ملی هر کشور تأثیرگذار باشد. برای مثال، درصد جمعیت در گروه سنی تولیدکنندگی که معمولاً بین ۴۵-۱۸ است، برای قدرت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بالا بودن نسبت جمعیت در این فاصله سنی باعث تأمین نیروی نظامی، صنعتی و همچنین تولید نسل جدید می‌شود.

تغییر ساختار سنی جمعیت که در نتیجه تغییر نرخ رشد جمعیت به وجود می‌آید، می‌تواند اثرات مهم و تعیین‌کننده بر رشد اقتصادی داشته باشد. تغییر ساختار سنی از راه‌های مختلف بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از یک طرف با تغییر سهم جمعیت در سن کار از کل جمعیت، بازار نیروی کار را متأثر می‌نماید و از طرف دیگر، بر اساس نظریه چرخه زندگی، مصرف و در نتیجه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تغییر ساختار سنی جمعیت به نفع جمعیت در سن کار (۶۴-۱۵ ساله) اثر مثبت بر رشد درآمد سرانه خواهد داشت و اگر رشد نیروی کار شاذ از رشد جمعیت در سن کار کمتر باشد، یک اثر منفی بر درآمد سرانه خواهد داشت. از سوی دیگر در جامعه‌ای که به جوانی، شادابی و سرزندگی و جذابیت فیزیکی ارج بسیار می‌نهند، سالخوردگان معمولاً نمایان نیستند. اما در سال‌های اخیر شاهد دگرگونی‌های بسیاری در نگرش نسبت به سالخوردگی بوده‌ایم؛ زیرا به تدریج که آنها نسبت هرچه افزون‌تری از جمعیت را تشکیل می‌دهند، نفوذ اجتماعی بیشتری کسب می‌کنند.

مهاجرت

مهاجرت ادامه منطقی توزیع، ترکیب نهایی و جابه‌جایی جمعیت در مکان جغرافیایی است. در حقیقت مهاجرت اغلب اوقات در نتیجه فقدان تعادل‌های منطقه‌ای در سطوح ناحیه‌ای است. طی پنج قرن گذشته مهاجرت‌های انبوه، نقش عمده‌ای در صنعتی‌شدن، ظهور حکومت‌های ملی و توسعه بازار جهانی سرمایه‌داری داشته‌اند.

باید گفت مهاجرت در قدرت ملی کشور مؤثر است؛ چون دگرگونی‌هایی را در اوضاع و احوال اقتصادی به وجود می‌آورد و رفتارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در نواحی مهاجرفرست و مهاجرپذیر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

همانگونه که ذکر شد، مردم یکی از عناصر مهم وجودی هر کشور محسوب می‌شوند. از سوی دیگر موضوع جمعیت یکی از مباحث جامعه‌شناسی، جغرافیای جمعیت و جغرافیای انسانی محسوب می‌شود، ولی اثربخشی سیاسی آن در جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جمعیت و ویژگی‌های آن به‌عنوان یک عامل مؤثر در توسعه و قدرت ملی کشور محسوب می‌گردد. برخی عوامل و متغیرها مانند تعداد جمعیت ممکن است در یک کشور دارای کارکرد مثبت بوده و در کشور دیگر کارکرد منفی داشته باشد.

با توجه به اینکه شهر یک واحد اجتماعی است که سیاست و قدرت به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده علم سیاست در آن، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر پیدا می‌کنند، شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرها همواره تجلی قدرت و ثروت و کانون جغرافیایی قدرت و ثروت به شمار می‌آیند.

اکنون، با افزایش مستمر جمعیت، تهران به یکی از کلان‌شهرهای جهان تبدیل شده است که با توجه به روند تغییراتی که از گذشته تا به امروز داشته است از لحاظ کمی و کیفی دارای وضعیتی بخصوص بوده است.